

## مورد حمله دشمن قرار گرفتن دلیل سلامت موضع گیری است

تراب حق شناس

مقاله بلند و ارزنده «فلسطینیان امروز و یهودیان آن روز» نوشته محمد رضا شالگونی که از جمله روی سایت اندیشه و پیکار هم آمده خشم یکی از جارچیان و توجیه گران اشغالگری و جنایات جنگی اسرائیل یعنی منشه امیر، مدیر برنامه فارسی رادیو اسرائیل را برانگیخته است. این قبل از هرچیز نشان می دهد که مقاله روی خال زده است. رفیق شالگونی علیه صهیونیست های نژادپرستی که درست ۶۱ سال است با تأیید کامل و بی شرمانه سرمایه داری جهانی به انکار و نفی حقوق و حتی موجودیت فلسطینی ها ادامه می دهند و در دفاع از حقوق مردم ستم دیده و زحمتکش فلسطین حرف حساب زده است. حرف حساب برای اسرائیل خطرناک است و باید علیه آن بجنگد. باید با توهین و چماق یهود ستیزی، همصدایی با بنیادگرایان حاکم بر ایران و تروریسم علیه هرکسی که با اشغالگری و تجاوز مستمر اسرائیل به مردم فلسطین مخالفت کند بتازد. تجاوزگران اسرائیلی از پیش از ۱۹۴۸ تا همین امروز با ارتکاب جنایات و تروریسم دولتی و پاکسازی قومی (شاهدش تحقیقات ارزنده «مورخین جدید» New Historians اسرائیلی ست) دولتی برپا کرده اند که پایگاه مقدم امپریالیسم جهانی ست. از عناصر و عمال چنین رژیم جزی این انتظاری نیست. اردوی اشغالگران از اردوی جانبداران حقوق خلق ها و عدالت جهانی جدا است.

در تارنمای وزارت خارجه اسرائیل ستونی هست زیر عنوان «سخن دوست» (دوست چه کسی؟) «دیدگاه شخصی (!) منشه امیر». او نوشته اش را با اشاره به محمد رضا شالگونی این طور شروع می کند: «نا انسان بی شرمی که لیاقت ندارد نام او برده شود...». از کسانی که توجیه گر جنایات هول انگیز صهیونیست ها نظیر دیرپاسین و صبرا و شاتایلا و غزه و ترورهای هدفمند هستند، از کسانی که تبدیل فلسطین را به زندانی بزرگ تنها دموکراسی خاورمیانه جا می زنند، از کسانی که تا امروز حتی یک قطعه نامه ملل متحد که اسرائیل را به رعایت حقوق فلسطینی ها فراخوانده نپذیرفته اند و ۶۱ سال است جنگ و خونریزی و ویرانی مستمر و آوارگی میلیون ها فلسطینی در منطقه خاورمیانه به بار آورده اند و با برپایی نخستین حکومت دینی در منطقه به تقویت ارتجاع و تاریک اندیشی مذهبی پرداخته اند جز این چه انتظاری هست؟ از دشمنان آزادی و برابری خلق ها انتظار دیگری داشتن غلط است.

اینکه او نام منتقد را نمی خواهد به زبان آورد یادآور اصرار اسرائیل در به زبان نیاوردن نام فلسطین است که در سال های اخیر اگر به ناگزیر آن را بر زبان می آورند ولی آن را تهی از محتوای انسانی و حقوق ملی اش می خواهند. آنها حتی یک پنجم از شهروندان اسرائیلی را که فلسطینی هستند به عنوان فلسطینی قبول ندارند بلکه آنها را «اعراب اسرائیل» می خوانند. آنها حتی کشمکش ۶۰ ساله گذشته را کشمکش اعراب و اسرائیل (نه ملت فلسطین و اسرائیل)، یا کشمکش خاورمیانه می نامند تا اصل داستان مسکوت بماند. به اعراب و فلسطینی ها فشار مرگبار وارد می آورند که حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسند اما خود هرگز حق موجودیت فلسطینی ها را قبول ندارند. با همه ادعای صلح دروغین و یکطرفه شان، هرگز حقوق سیاسی و ملی فلسطینی ها را به رسمیت نشناخته اند. انکار وجود فلسطینی ها و خودداری از نام بردن از طرف مقابل، نمونه رسوای دیگری دارد و آن این که نخست وزیر اسبق اسرائیل اسحاق شامیر در عین ناراحتی شدید از شعری که محمود درویش تحت عنوان «عابرون فی کلام عابر» (رهگذرانی در سخنی گذرا) در سال ۱۹۸۸ همزمان با انتفاضه اول سروده و توفانی در اسرائیل و در بین سینه چاکان آن در خارج برپا کرده بود<sup>(۱)</sup>، در کنیست (به اصطلاح پارلمان)

گفت: «این شعر بیانگر دقیق اهدافی است که باند آدمکشان متشکل در سازمان آزادیبخش فلسطین در جست و جوی آن اند. این شعر را یکی از شاعرانشان، محمود درویش، که به اصطلاح وزیر فرهنگ شان است گفته... من می توانستم این شعر را در حضور پارلمان بخوانم ولی نمی خواهم این افتخار را داشته باشم که نامش در آرشیو کنست بیاید.»

خوشبختانه وجدان های بیداری در اسرائیل وجود دارند که از سیاست اسرائیل شدیداً انتقاد و آن را افشا و محکوم می کنند. نویسندگان و متفکران اسرائیلی مانند یوری اونری، گیدئون لوی، امیره هس، شلومو ساند، میشل ورشوفسکی، دانیل بارنبايم، آریلا آزولای و بسیاری دیگر. همچنین نویسندگان و هنرمندان یهودی تبار در سراسر جهان که مخالف صهیونیسم، اشغالگری، مستعمره سازی و نژادپرستی اسرائیل هستند<sup>(۲)</sup> و حسابشان از جنگ افروزان و اشغالگران جدا است.

باری، محمد رضا شالگونی در مصاحبه با رادیو سپهر به حد کافی به تحریف ها و کینه توزی های بوق تبلیغاتی اشغالگران که در نوشته منشه امیر روی سایت وزارت خارجه اسرائیل منعکس شده است پاسخ گفته و از حقوق عادلانه مردم فلسطین و منطقه آنطور که باید دفاع کرده است<sup>(۳)</sup> و نیازی نیست که چیزی بدان افزوده شود. چه خوب است سایت ها و بلوک هایی که مدافع فلسطین و مخالف تجاوزات اسرائیل هستند، حالا که جارچی های تجاوز و اشغال چنین بی شرمانه علیه مقاله «فلسطینیان امروز و یهودیان آن روز» و نویسنده اش تاخته اند، مقاله را در سایت و بلاگ خود منعکس کنند. در پایان، به عنوان همبستگی در این مبارزه افتخار آمیز، یادداشت و مقاله زیر را که دوستی گرامی از فلسطین دریافت کرده و برایم فرستاده به فارسی درآوردم که در زیر ملاحظه می کنید.

#### یادداشت بر مقاله زیر نوشته گیدئون له وی:

عادی نیست که روزنامه ها آرتز یا حتی گیدئون له وی (روزنامه نگار چپگرایی مخالف سیاست اسرائیل) صریحاً بگویند که اسرائیل «تحت قوانین مذهبی اداره می شود»، یا آن را با افغانستان و عربستان سعودی مقایسه کنند؛ اما نمی توان نادیده گرفت که حرکت منظم به سمت روی کار آمدن احزاب سیاسی راست همواره با اوجگیری منظم نفوذ نیروهای راست مذهبی همراه بوده است. در سراسر دنیا کسانی می توانند از اسرائیل نفرت داشته باشند یا بدان عشق بورزند - که در این اواخر بیشتر حالت اول دیده می شود - اما شاید خیلی ها هنوز از اسرائیل تصویری شبیه یک دولت «سکولار» (لایک) اروپایی دارند. بسیاری احتمالاً نمی دانند که اسرائیل دارای قوانین مذهبی سخت قرون وسطایی است که بر زمینه های حیاتی زندگی از جمله ازدواج، حرمت و تقدس روز شنبه و حتی امور مربوط به دفن مردگان حاکم است. هستند افراد متعددی از یهودیان روسیه که به اسرائیل آمده و به ارتش اشغالگر پیوسته و طی عملیات نظامی کشته شده اند، اما مجاز نیست که در گورستان های عمومی ارتش دفن شوند، زیرا آنها به نظر مقامات بنیادگرایی مذهبی، که امور مربوط به دفن مردگان را در اختیار دارند، «به حد کافی یهودی» نیستند، یعنی مادر و مادربزرگهای آنان یهودی نبوده اند. اتومبیل هایی که جرأت کنند روز غفران (یوم کیپور) در عکا و بیت المقدس و جاهای دیگر حرکت کنند به دست بنیادگرایان خشمگین [یهودی] سنگباران می شوند، در حالی که لیبرال های مهربان لایک، ساکت آنها را تماشا می کنند و گاه آنها را تأیید می نمایند.

بیمارستان ها در سراسر اسرائیل، حتی در ناحیه ای لایک مثل تل آویو، در روز شنبه نه تنها به بیماران غذای سرد می دهند زیرا در این روز، روشن کردن اجاق ها ممنوع است، بلکه آسانسورها را هم طوری برنامه ریزی می کنند که در تمام طبقه ها متوقف شود تا نیازی به فشار دادن تکمه ها نباشد و حرمت شنبه شکسته نشود! در جریان عید فصیح یهودی (عید پاک) مأمورین امنیتی جلوی در بیمارستان، نه تنها افراد را به خاطر آنکه مبادا با خود اسلحه داشته باشند، بازرسی می کنند، بلکه تا از ورود نان و

هر غذائی که با تخمیر تهیه شده باشد جلوگیری کنند. اگر یک مادر فلسطینی که به عیادت فرزند بیمارش آمده نان کنجی خاص بیت المقدس «قاچاق» کرده باشد، نه تنها نان را از او می گیرند (البته با دستکش) و آن را به دور می اندازند، بلکه آن زن را سرزنش نیز می کنند. عامل فشار و اجبار مذهبی نه تنها در عربستان سعودی و افغانستان، بلکه در اسرائیل نیز به شدت حضور دارد. نکته آخر اینکه در بیمارستان های اسرائیل در روزهای شنبه از کمک - پزشکان فلسطینی برای انجام کارهای خیلی پیش پا افتاده استفاده می کنند مانند نوشتن نسخه، باز و بست کردن کپسول اکسیژن یا برای هر فعالیت بدنی که پزشکان یهودی حاضر نیستند آن را انجام دهند مبادا تقدس روز شنبه را زیر پا بگذارند. شاید شما موافق باشید که اسرائیل کشوری ست برپایه تبعیض نژادی یا اینکه به خاطر کمبود اطلاعات لازم اصرار بورزید که چنین نیست. از این می گذریم؛ اما به هیچ رو نمی توانید آن را به طور جدی کشوری لائیک تلقی کنید<sup>(۴)</sup>.

اکنون مقاله ای را که در هاآرتز به تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۰۹ چاپ شده می خوانید:

### جنبه تاریک اندیشانه مذهبی اسرائیل Gideon Levy له وی گیدئون

چند روز پس از آنکه ده ها هزار تن از اسرائیلی ها صبحگاهان به آسمان چشم دوختند تا «بازگشت خورشید را به همان جایی که در لحظه آفرینش قرار داشته» با شکوه و احترام جشن بگیرند، وقتی می بینید که میلیون ها تن از اسرائیلی ها در مراسم عید فصح شادمانه نیایش مربوط به نسل کشی - عذاب الیم و غرق کردن فرزندان - را با صدای بلند می خوانند، اذعان خواهید کرد که ما در کشوری مذهبی بسر می بریم.

در این روزهای تعطیل عید فصح [عید پاک یهودی] وقتی در برخی مناطق کشور محال است بتوان نان یا چیز دیگری که در آن خمیر به کار رفته پیدا کرد؛ وقتی خاخام ها در جستجوی آن اند که برنامه ای کامپیوتری نصب کنند تا از فروش محصولات که در آنها خمیر به کار رفته جلوگیری شود؛ وقتی خاخام بزرگ، یونا متزگر، از خاخام یاکوب اسرائیل پیفرگان می خواهد که به مرید خود نوچی دانکنر، صاحب یک فروشگاه بزرگ، توصیه کند که چنین برنامه ای نصب کند؛ و وقتی گاوهای کشور ما تحت رژیم غذائی بدون خمیر قرار دارند، خود را در کشوری مذهبی می یابید.

ما باید بپذیریم که در جامعه ای بسر می بریم با جنبه های بسیار تاریک مذهبی. خارجی هایی که به اسرائیل وارد می شوند چه بسا از خود بپرسند وارد چه کشوری شده اند، ایران، افغانستان یا سعودی؟ در هر حال، اسرائیل جامعه ای لیبرال، لائیک و آزاد از خرافات و جهل و تعصب که ادعا می کند نیست. تنها بریدن دست دزد یا حجاب چهره زنان نیست که کشور را مذهبی می کند. همان گونه که یک کشور اشغالگر که سه و نیم میلیون انسان را از حقوق مدنی شان محروم کرده نمی تواند «تنها دموکراسی خاورمیانه» لقب گیرد، کشوری نیز که به دلایل مذهبی یک هفته در آن نان پیدا نمی شود نمیتواند خود را کشوری لائیک و آزادیخواه بنامد.

درست است که در سال های اخیر فضا کمی باز شده است. اماکن تفریح و سرگرمی و فروشگاه های بزرگ در روزهای شنبه بیش از گذشته باز هستند. مردگان را هم می شود با پرداخت کمی پول در گورستان غیر مذهبی دفن کرد، اما این کافی نیست تا بتوانیم خود را جامعه ای لائیک (سکولار) بنامیم. خود را فریب ندهیم: از گهواره تا گور، از ازدواج تا طلاق هنوز تقریباً همه چیز مذهبی ست. در هیچ کشوری نیست که روز شنبه اتوبوس در خیابان ها و قطار روی ریل ها نباشد. هیچ

شرکت هوایی غیر از ال عال نیست که یک روز در هفته تن آسای می کند، یا اینکه روز شنبه در بیمارستان ها و هتل ها غذای سرد بدهند. اینکه به خاطر وجود گورستان های قدیمی جاده ها را منحرف کنند، به طوری که اگر کسی از بیرون به صحنه نگاه کند به نظرش مثل طواف می آید، اینکه در اتوبوس ها زنان و مردان را از هم جدا کنند، در هیچ کشور دموکراتیکی دیده نمی شود. در اینجا هرگز مذهب از دولت جدا نبوده، بلکه آنها دست در دست یکدیگر زندگی ما را تحت نظر دارند.

ما نباید جامعه سنت گرا و رهبری آن را سرزنش کنیم. سنت گرایان حق دارند هرکاری می توانند انجام دهند تا ایمان خود را بر جامعه لائیک تحمیل کنند [آنها کار خودشان را می کنند]. طرفی را که باید سرزنش کرد لائیک ها هستند. اینکه طلاب علوم دینی یهود از خدمت سربازی معاف اند تقصیر آنان نیست. تقصیر اکثریت لائیک است که به این امر اجازه می دهد. بقیه امور زندگی مان نیز همین روال را دارد. ما لائیک ها هستیم که مستحق سرزنش ایم. ماییم که تسلیم شده ایم. اقلیت دیگری هم هست، اقلیت کولون ها (مهاجران یهودی ساکن شهرکها در سرزمین های غصب شده فلسطینی) که با دست زدن به ارباب، اکثریت جمعیت را دچار ترس و وحشت می کنند، درست همان گونه که متعصبین مذهبی با ستمکاری هاشان چنین می کنند. علت اینکه ستمکاری و خودکامگی همچنان وجود دارد این است که اکثریت لائیک تصمیم گرفته است دست روی دست بگذارد و اطاعت کند.

بنابر این نیاید از مذهبی ها شکایت کنید. لاییک ها در اکثریت اند و قدرت تغییر سیمای جامعه در دست آنها است. اگر اکثریت می خواست مقاومت کند و تسلیم اقلیت نشود، اتوبوس ها همه روز حرکت می کردند و نان در تعطیلات عید فصح (عید پاک) به فروش می رسید. بدین ترتیب، این ما هستیم که، بیش از آنکه خود به آن اعتراف کنیم، مذهبی هستیم. ما ممکن است ظاهر لائیک را برای خود حفظ کنیم، اما در باطن خویش مذهبی هستیم.

ای کاش ما این را می پذیرفتیم و دست از ادعای لائیک بودن بر می داشتیم. با وجود این، جامعه ای که وانمود می کند غربی ست و بر اصول عصر روشنگری استوار است، وقتی چنین شیوه زندگی مذهبی و تاریک اندیشانه را حفظ می کند نمی تواند به خودفریبی اش ادامه دهد. از زمانی که در مدرسه به ما می آموختند که اگر کتاب مقدس بر زمین افتاد آن را برداریم و ببوسیم مدت چندانی نمی گذرد. پس بگذارید مزه نان فطیر را بچشیم و مجبور نباشیم بطری آبجو را از نایلون مسخره آن در فروشگاه بیرون بکشیم. بگذار اعتراف کنیم که ما هنوز (غالباً) در کشوری زندگی می کنیم که قوانین مذهبی بر آن حاکم است.

منبع: روزنامه اسرائیلی هاآرتز ۱۲ آوریل ۲۰۰۹ (تأکیدها از مترجم است.)

[www.haaretz.com/hasen/spages/1077908.html](http://www.haaretz.com/hasen/spages/1077908.html)

\*\*\*\*\*

۱- رک. به: محمود درویش (همراه با سه نویسنده اسرائیلی)، فلسطین کشور من، جنجال یک شعر، انتشارات مینوی، پاریس ۱۹۸۸ (به فرانسوی)

۲- برای اطلاع بیشتر رک. از جمله به: <http://www.peykarandees.org/felestinIndex.html>

۳- رک. به: [http://www.azadi-b.com/J/2009/04/post\\_499.html](http://www.azadi-b.com/J/2009/04/post_499.html)

۴- کسانی که ایرادشان به رژیم ایران محدود به «بنیادگرایی اسلامی» است و بنیادگرایی مسیحی (جرج بوش و...) و بنیادگرایی یهودی (اسرائیل) را نمی بینند یا آن را به «مدرنیته» اش می بخشند، وقتی وزرای احمدی نژاد نامه به چاه می اندازند تا به دست امام زمان برسد به رژیم خرافات می خندند ولی برای چپاندن نامه حاجت لای جزز های دیوار ندبه در اسرائیل حرفی ندارند! (م.)

[www.peykarandees.org](http://www.peykarandees.org)

انتشارات اندیشه و پیکار